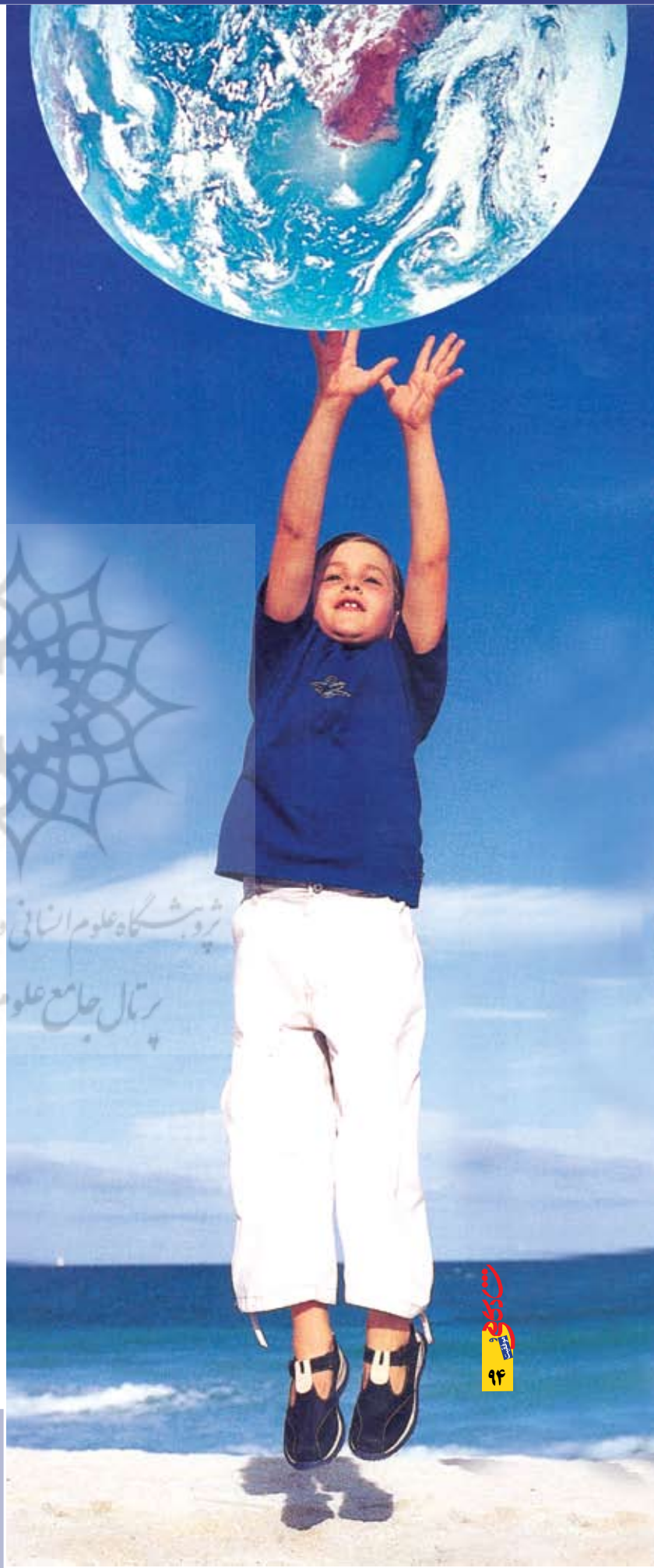


# آینده در دستان شماست

یک روز نزدیک غروب در پارکی، جوانی را دیدم که بسیار ناراحت و غمگین بر روی یکی از صندلی‌ها نشسته بود و گاهی با خودش حرف می‌زد و با ناراحتی، مدام جمله‌ای را تکرار می‌کرد. خیلی کنجکاو شدم که بدانم چه مشکلی دارد و آیا من می‌توانم به او کمکی کنم یا نه؟ رفتم نزدیک، کنارش نشستم و با لحنی دوستانه گفتم: «مزاحم نمی‌خوای؟» لبخند بدون احساسی بر چهره‌اش نمایان شد و بعد از چند دقیقه شوخی و احوال‌پرسی‌های متعارف، شروع به حرف زدن کرد و گفت: «از زندگی خسته‌ام، هر کاری می‌کنم به بن‌بست می‌رسم. انگار خدا اصلاً منو دوست نداره! همه با من بدرفتاری می‌کنن و در این دنیا هیچ کس به من اعتماد نمی‌کنه و من امیدی به آینده ندارم. روحیه‌ی انجام هیچ کاری رو ندارم و همیشه احساس می‌کنم انسان دست‌وپا چلفتی و بی‌استعدادی هستم.» قدری با هم صحبت کردیم و از زندگی و خوب زندگی کردن حرف زدیم. با هم شروع کردیم به قدم زدن، او مدام از نداشته‌های خودش حرف می‌زد و من سعی می‌کردم متقاعدش کنم تا برای آینده‌ی خود، فکری داشته باشد. نزدیک وسایل ورزشی پارک رسیده بودیم که ناگهان صحنه‌ی عجیبی فضای بحث ما را پررنگ‌تر و زیباتر کرد. پیرمرد معلولی با انرژی بسیار زیاد و چهره‌ی بسیار بانشاطی مشغول انجام حرکت‌های ورزشی بود. او دائم می‌خندید و با اطرافیانش شوخی می‌کرد. نزدیک تر شدیم و به او سلام کردیم و در کنارش ایستادیم. او با شوخی



بامزه‌ای به ما گفت: «چیه تا حالا آدم خوش تیپ ندیدید؟» به او گفتیم: «آدم خوش تیپ دیدیم، اما این قدر سر حال و پرانرژی ندیدیم!» او از ناحیه‌ی پا به شدت دچار معلولیت بود و پاهای خود را به سختی جابه‌جا می‌کرد. آرام آرام شروع کرد به حرف زدن. چه قدر حرف‌های قشنگ و دلنشینی بر زبانش جاری می‌شد. کلمه‌هایش پر از امید و نشاط بود. او در هر لحظه، خدا را در زندگی‌اش احساس می‌کرد و می‌گفت: «خدا از ما آدم‌ها انتظار داره که خوب زندگی کنیم و هر لحظه به آینده امیدوار باشیم و برای زندگی مون، هدف و برنامه داشته باشیم. هیچ‌بهبانه‌ای نمی‌تونه ما رو ناامید کنه.» پیرمرد می‌گفت: «من نزدیک ۷۰ سال از خدا عمر گرفتم و هر روز نسبت به روز قبل، امیدوارتر می‌شم و منتظر روزهای بهتری برای خودم هستم. من به تازگی در کلاس زبان آلمانی ثبت‌نام کرده‌ام و می‌خوام مثل زبان انگلیسی مسلط بشم.» او می‌گفت: «من برای هر ساعت از عمرم برنامه دارم و سعی می‌کنم با نگاهی مثبت به همه چیز فکر کنم.» بعد از مدتی احساس کردم که دیگر آن پسر جوان نیز همه‌ی جواب‌های لازم برای داشتن یک زندگی خوب را از نفس گرم این پیرمرد گرفته و حالا می‌خواهد نوع نگاهش به زندگی را تغییر دهد. هر سه نفر از هم جدا شدیم و هر کس به سمت مقصد خود حرکت کرد اما آن شب برای من شب بسیار بارزشی بود و در تنهایی خودم به این نکته خیلی فکر کردم که تفاوت انسان‌های امیدوار و ناامید در چه چیزی است؟ و چگونه است که برخی انسان‌ها با وجود داشتن نعمت‌های بسیار زیاد، باز هم همیشه ناراحت و ناامیدند و برعکس، برخی دیگر با وجود نداشتن خیلی از امکانات زندگی، همیشه شاد و بانشاط هستند. من بر این باورم که بین انسان‌های امیدوار به آینده و افراد ناامید، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد مانند:

### ۱- انسان‌های امیدوار، رابطه‌ی خوبی با خدا دارند

آنان، خدا را دوست دارند و هر لحظه به یاد او هستند و می‌دانند که با یاد او، آرامشی عمیق پیدا می‌کنند و می‌توانند زندگی خوبی را برای خود طراحی کنند. افراد امیدوار همواره از لطف خالق خویش می‌گویند و لحظه‌ای از او غفلت نمی‌کنند. زیباترین لحظه‌های زندگی‌شان را با او مناجات و معاشقه می‌کنند و خواسته‌های خویش را از او می‌خواهند و به گونه‌ای با او حرف می‌زنند که انگار او را می‌بینند و وقتی چیزی را طلب می‌کنند، مطمئن‌اند که اگر در آن خواسته خیری باشد، از جانب پروردگارشان دریغ نمی‌شود. انسان‌های امیدوار سعی می‌کنند آن چه را که خالق‌شان به‌عنوان برنامه‌ی زندگی دستور داده، اطاعت کنند و بر مبنای یک نظام ارزشی در زندگی حرکت کنند و چهارچوب‌های اخلاقی یک زندگی خوب را رعایت نمایند.

### ۲- انسان‌های امیدوار، خسته نمی‌شوند

در مسیر زندگی، ناملایمت‌های بسیار زیادی وجود دارد، انسان‌های سخت‌کوش و امیدوار، هیچ‌وقت از بازی زندگی کنار نمی‌کشند و مانع‌ها و مسائل زندگی را با صبر و حوصله برطرف می‌کنند و در میانه‌ی راه، خسته نمی‌شوند. آنان آن قدر شکست می‌خورند تا راه شکست‌دادن را یاد بگیرند. امیدواران در عرصه‌ی زندگی، همواره خود را تشویق می‌کنند تا روحیه‌ی مثبتی داشته باشند و بتوانند به هدف‌های بزرگ زندگی‌شان برسند. کلمه‌ی خستگی در واژه‌نامه‌ی زندگی‌شان وجود ندارد. آنان اراده‌ای پولادین دارند و هر روز، بهتر از روز گذشته فعالیت‌های‌شان را انجام می‌دهند. زندگی برای آنان مفهومی زیبا دارد و از تمامی لحظه‌های زندگی‌شان به خوبی استفاده می‌کنند و از آن، شاهکاری به‌یادماندن می‌سازند.

### ۳- انسان‌های امیدوار از فرصت‌ها خوب استفاده می‌کنند

فرصت‌ها هم چون ابر از مقابل انسان‌ها می‌گذرد و افراد امیدوار با نگاهی تیزبینانه از هر فرصتی، نهایت استفاده را می‌برند و کارهای خود را با دقت و سرعت انجام می‌دهند. آنان با اندیشه‌ی تعالی و رشد، به همه‌ی موضوع‌ها می‌نگرند و برای‌شان بیکاری و بی‌حوصلگی مفهومی ندارد. گاهی در طول روز در خلوتی سکوت می‌کنند و با اندیشه‌های عمیق، مسائل زندگی و اطراف خود را مرور می‌کنند و از امکانات و امتیازهای موجود به بهترین نحو استفاده می‌نمایند و اگر در مسیر زندگی، اتفاق‌های منفی برای‌شان رخ دهد، به بهترین روش آن‌را مدیریت می‌کنند و نکته‌ها و تجربه‌های جدیدی را به اندوخته‌های خود اضافه می‌کنند. انسان‌های امیدوار، بهانه نمی‌آورند که دیگر از ما گذشته است و یا ما امکانات رشد و پیشرفت و کسب ثروت را نداریم بلکه آنان همواره به شدن و ممکن بودن و توانستن فکر می‌کنند و به خاطر همین هم ذهن‌شان سرشار از موفقیت و خلاقیت بسیار زیادی می‌باشد.

### ۴- انسان‌های امیدوار برای آینده نقشه دارند

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی، لازمه‌ی رسیدن به یک زندگی مطلوب است. انسان‌هایی که می‌دانند به کجا می‌خواهند بروند، دست‌کم در جهت مقصد حرکت می‌کنند اما متأسفانه خیلی از انسان‌ها نمی‌دانند به کجا بروند و چه هدفی در زندگی داشته باشند. انسان‌های امیدوار برای هر دقیقه از عمرشان برنامه دارند و چشم‌انداز زندگی خود را طراحی کرده‌اند. آینده‌نگری به انسان انرژی می‌دهد و باعث می‌شود زندگی، نظم و نظام مناسبی پیدا کند. نقشه و برنامه، انسان را راهنمایی می‌کند تا از موانع و سختی‌های زندگی به خوبی عبور کند.

به امید آن که همواره انسانی امیدوار باشیم.

